



روی خط جام جهانی

از ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۶ وداع با رؤیای صعود

چند سانتی متر

آرزوی یک ملت را بر باد داد!



مهدی طارمی پس از سوت پایان بازی در ورزشگاه سیاتل، بی‌رحم روی چمن دراز کشیده بود و با چشمانی خیره به آسمان، غرق در اندوهی عمیق بود. تیم ملی ایران که او بازوبند کاپیتانی اش را بازو داشت، در آخرین دیدار مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۲۶ برابر مصر به تساوی ۱-۱ رسید؛ نتیجه‌ای که رؤیای صعود تاریخی ایران را نقش بر آب کرد. اگر ایران پیروزی می‌شد، برای نخستین بار در هفت حضور خود راهی مرحله یک‌هشتم نهایی می‌شد. طارمی در این مسابقه یک پنالتی را از دست داد و در دقایق پایانی نیز با گلی که می‌توانست حکم صعود را امضا کند، به دلیل آفساید مردود کرد. او دقایق طولانی روی چمن ماند؛ در حالی که علیرضا جهانبخش تلاش می‌کرد او را آرام کند. هرچند طارمی دقایقی بعد در گفت‌وگو با خبرنگاران با مناعت طبع از «انرژی مثبت» رختکن سخن گفت. اما روز شنبه ناامیدی بیشتری به همراه داشت. ایران برای صعود نیاز داشت غنا پیر کربوراسی غلبه کند، اما نتیجه برعکس شد. همچنین ایران امیدوار بود ازبکستان برابر جمهوری دموکراتیک کنگو امتیاز بگیرد، اما کنگویی‌ها پس از عقب افتادن، بازی را به سود خود برگرداندند و حتی برنامه حضور مدیران فدراسیون در تمرین و متعاقباً خود تمرین تیم ملی را لغو کردند. درناک‌تر از همه، گل دقیقه ۹۳ ریاض محرز بود که الجزایر را ۳ بر ۲ از تریش پیش انداخت و ایران را امیدوار کرد؛ اما تنها دو دقیقه بعد، انریش گل تساوی را زد تا رؤیای صعود برای همیشه به پایان برسد. این ناکامی، یادآور سناریوهای تلخ گذشته بود؛ سال ۲۰۱۴ با نبوغ مسی، ۲۰۱۸ با تساوی برابر پرتغال و ۲۰۲۲ با شکست مقابل آمریکا؛ اما این بار سرنوشت ایران کاملاً به نتایج سایر تیم‌ها وابسته بود و هیچ کمکی از راه نرسید. بازیکنان ایران روی تخته رختکن در سیاتل نوشتند: «فوتبال فقط رقابت برای نتیجه نیست؛ آرزوی برای شخصیت است.» این جام جهانی، آرزوی فوق‌العاده دشوار برای تیم ملی بود. ایران پس از صعود، با محدودیت‌های ناشی از فرمان منع سفر دولت آمریکا روبه‌رو شد. همزمان با آغاز آماده‌سازی، حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران آغاز شد که به شهادت صدها تن، از جمله دانش‌آموزان بی‌گناه مدرسه‌ای در میناب انجامید. تیم ملی به دلیل صادر نشدن ویزا ناچار شد اردوهای خود را در ترکیه و سپس تحت حفاظت نیروهای مسلح در مرکزیک برگزار کند.

دولت آمریکا برای ۱۱ نفر از اعضای کادر پشتیبانی از جمله مسئولان رسانه‌ای ویزا صادر نکرد. بازیکنان بارها در فرودگاه‌ها با بازرسی‌های سختگیرانه مواجه شدند و برخی مقامات آمریکایی تیمت حضور عناصر تروریستی در همراهان تیم ملی مطرح کردند؛ در پیرون ورزشگاه‌ها نیز اعتراضات علیه تیم شکل گرفت و ساعتی پیش از دیدار با مصر نیز خبر دور تازه حملات آمریکا به وطن منتشر شد. در چنین شرایطی، طارمی تنها یک پیام برای تیم داشت: «بدوید.» او پیش از دیدار با بلژیک خواست بدون ترس بازی کنند.

شاید بتوان درباره کیفیت فنی تیم بحث کرد، اما نمی‌توان تلاش بازیکنان را نادیده گرفت. اما این پرسش باقی ماند که آیا ایران واقعاً بدون ترس بازی کرد؟

در بسیاری از دقایق حساس، به‌ویژه نیمه دوم دیدار برابر مصر، تیم ملی کمتر نشانی از میل به حمله داشت. ایران با وجود برتری عددی مقابل بلژیک، فرصت‌های اندکی خلق کرد و حتی برابر نیوزیلند، تیمی با رتبه‌ای بسیار پایین‌تر، اجازه داد جریان بازی در اختیار حریف باشد. حملات جدی ایران اغلب در دقایق پایانی شکل گرفت؛ گویی نه از روی جسارت، بلکه از سر اجبار و ترس از حذف.

سرنوشت ایران با اختلاف چند سانتی متر رقم خورد؛ گل شجاع خلیل‌زاده برابر مصر و گل طارمی مقابل بلژیک به دلیل آفساید مردود شد. پنالتی طارمی و ضربه سر سعید عزت‌اللهی که به تیر خورد، می‌توانستند تاریخ را تغییر دهند. امیر قلعه‌نویی پس از بازی گفت: «فقط به خاطر چند سانتی متر، ۲۰۱۰ سانتی متر، گل‌های ما مردود شد. واقعاً از این بدشانسی غمگین هستم.» ایران دومین تیم مسن جام بود و رامین رضاییان پس از مسابقه گفت: «واقعاً نمی‌دانم مشکل فوتبال ما چیست. فقط از مردم ایران عذرخواهی می‌کنم، چون آنها سواروار شادی بیشتری هستند.» طارمی نیز با «فاجعه» خواندن شرایط لجستیکی گفت: «ما فرصت‌رگاویری نداشتیم، نیروی پشتیبانی کافی نداشتیم. همیشه شکایت می‌کنیم، اما هیچ‌کس به ما کمک نمی‌کند.» و در نهایت، روز شنبه نیز کمکی از داخل زمین نرسید تا نسل بالای ۳۰ سال فوتبال ما از جام جهانی ۲۰۱۸ تا جام جهانی ۲۰۲۶ با کوله‌باری از حسرت چند سانتی‌متری، به خانه بازگردد.

تیم ملی برای موفقیت به جوان‌های مستعد نیاز دارد

سکانس خدا حافظی بازنشسته‌ها

گزارش یک

سیا حسینی خبرنگار

شاید بهتر باشد روایت را از جایی دیگر آغاز کنیم؛ نه از روز اعلام فهرست، بلکه از امروز، از نقطه‌ای که نتیجه، خود به اندازه کافی گویاست. جام جهانی ۲۰۲۶ به پایان رسیده و تیم ملی ایران، فارغ از همه امیدها و وعده‌ها، بار دیگر در بزرگ‌ترین رقابت با فوتبال مدرن، نشانه‌هایی از عقب‌ماندگی ساختاری را به نمایش گذاشت. حالا دیگر نمی‌توان پشت واژه‌هایی مثل «تجربه» یا «شرایط خاص» پنهان شد.

وقتی امیر قلعه‌نویی فهرست ۲۶ نفره خود را اعلام کرد، انتقاد اصلی متوجه شواین اشتایگر، آندرس اینیستا و حتی در سال‌های اخیر تونی کروس، هر یک با درک زمان مناسب، میدان را برای نسل بعدی باز کردند. این تصمیم‌ها، نه از سر ضعف، بلکه نشانه‌ای از بلوغ حرفه‌ای و اولویت دادن به منافع تیم ملی بود.

در ایران اسما، این لحظه تصمیم‌ها اغلب به تعویق می‌افتد؛ تا جایی که تغییر، از یک انتخاب آگاهانه به یک اجبار تلخ تبدیل می‌شود. این متقاعد در آن مقطع سکوت کردند؛ نه از سر رضایت، بلکه به احترام موقعیت تیم ملی. اما امروز، پس از پایان جام جهانی، دیگر مجال برای تعارف باقی نمانده است. تیم ملی ایران نیازمند یک بازنگری جدی است؛ نه فقط در ترکیب، بلکه در نگرش.

واقعیت این است که فوتبال ملی، بیش از آنکه به گذشته وفادار باشد، باید به آینده متعهد باشد. بازیکنانی مانند احسان حاج‌صفی مهدی طارمی، علیرضا جهانبخش، روزبه چشمی، شجاع خلیل‌زاده، محمدحسین کنعانی‌زادگان، سعید عزت‌اللهی، شهریار مغانلو و میلاد محمدی، هر یک در مقطعی ستون‌های تیم ملی بوده‌اند و نقش آنها در سال‌های اخیر قابل انکار نیست. اما فوتبال حرفه‌ای، بیش از هر چیز، درباره «زمان» است؛ زمان حضور و مهم‌تر از آن، زمان کناره‌گیری.

تجربه فوتبال اروپا بارها نشان داده که تیم‌های موفق، دقیقاً در لحظه‌ای که هنوز نشانه‌هایی از توانایی باقی است، تصمیم به تغییر می‌گیرند. فیلیپ لام پس از فتح جام جهانی ۲۰۱۴، در اوج خدا حافظی کرد. باستیان شواین اشتایگر، آندرس اینیستا و حتی در سال‌های اخیر تونی کروس، هر یک با درک زمان مناسب، میدان را برای نسل بعدی باز کردند. این تصمیم‌ها، نه از سر ضعف، بلکه نشانه‌ای از بلوغ حرفه‌ای و اولویت دادن به منافع تیم ملی بود.



عکس: فدراسیون فوتبال

جایگاه خود را حفظ می‌کند، بلکه به الگویی برای حرفه‌ای‌گری تبدیل می‌شود. در مقابل، ماندن بیش از حد، حتی اگر با نیت کمک باشد، گاه به فرسایش همان اعتبار می‌انجامد. اکنون، بیش از هر زمان دیگری، فوتبال ایران در نقطه‌ای حساس ایستاده است. تصمیم‌هایی که امروز گرفته می‌شود، نه فقط سرنوشت یک نسل، بلکه مسیر سال‌های آینده را تعیین خواهد کرد. شاید وقت آن رسیده باشد که این‌بار، پیش از آنکه زمان تصمیم بگیرد، ما تصمیم بگیریم.

جوانانی که پشت درهای تیم ملی می‌مانند، نه تجربه بین‌المللی کسب می‌کنند و نه فرصت رشد در سطح بالا را به دست می‌آورند. این چرخه معیوب، خود را در هر تورنمنت تکرار می‌کند. پرسش اساسی اینجا است: آیا می‌خواهیم همچنان در گذشته بمانیم، یا جسارت حرکت به سمت آینده را داریم؟

کناره‌گیری از تیم ملی، پایان یک مسیر است، اما می‌تواند آغاز یک میراث باشد. بازیکنی که در زمان مناسب خدا حافظی می‌کند، نه تنها

از بازیکنان نامدار، نتوانسته به موفقیتی درخور دست پیدا کند. ناکامی‌هایی که تنها با تحلیل‌های فنی توضیح داده نمی‌شوند، بلکه ریشه در نبود یک چرخه طبیعی نوسازی دارند. تیمی که به‌موقع جوان نمی‌شود، در بزرگ‌ها انرژی، طراوت و انعطاف لازم را از دست می‌دهد. اصرار بر حفظ ترکیب فعلی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت حسن امنیت ایجاد کند، اما در بلندمدت، هزینه‌ای به‌مراتب سنگین‌تر به همراه دارد؛ از دست رفتن یک نسل.

توریست لوکس در جام جهانی با بلیت فدراسیون

معمای دنیس درگاهی

سؤال روز

پرونده حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ با سه تساوی و حذف زودهنگام در مرحله گروهی بسته شد. اما در میان تلخی این ناکامی و ابهامات تاکتیکی، یک علامت سؤال بزرگ و استراتژیک همچنان در آسمان فوتبال ایران بی‌پاسخ مانده است، چرا دنیس اکرت، مهاجم ۲۹ ساله ایرانی‌آلمانی، با وجود طی کردن یک پروسه حقوقی پرپیچ‌وخم و فرساینده برای دریافت مجوز فیفا، حتی یک دقیقه هم در این تورنمنت حیاتی برای ایران به میدان نرفت؟

اکرت که با اصرار و نظر مستقیم امیر قلعه‌نویی در فهرست نهایی ۲۶ نفره یوزها گنجانده شد، بدون حتی یک ثانیه

ایران ذخیره کنند. نکته تاریک ماجرا اینجا است که آمار عملکرد اکرت هیچ برتری محسوسی نسبت به این جوانان ندارد؛ صیادمنش در وست‌رولوی بلژیک طی ۳۱ مسابقه، ۷ گل و ۵ پاس گل را ثبت کرد و حسین نژاد نیز در دبایموه روسیه طی ۳۸ بازی، ۴ گل و ۳ پاس گل داشت؛ در حالی که اکرت در ۳۷ بازی برای استاندارد لیژ فقط ۷ گل زد و صفر پاس گل را جلوی نمایش دید! در حالی که مهاجمانی چون علی علیپور، شهریار مغانلو و امیرحسین حسین‌زاده شانس رفتن به میدان را در کنار مهدی طارمی داشتند، اکرت برای هواداران ایرانی همچنان یک کادوی بازنشده باقی ماند. هزینه دعوت از اکرت فقط به رقم پروازها محدود نمی‌شود؛ پیگیری‌های حقوقی فدراسیون برای دریافت مجوز او از فیفا، زمان بر و پرهزینه بود، اما تمام این فرآیند به



تماشای سه بازی از روی نیمکت ختم شد! از ۲۶ بازیکن دعوت شده، ۴ بازیکن (به جز گلرهای ذخیره) اصلاً فرصت بازی پیدا نکردند؛ روزبه چشمی صدمه، امیر رزاقی نیا جوان و دانیال ابری هم مجال بازی نیافتند، اما در خط حمله که همه نفرات حداقل یک دقیقه بازی کردند، اکرت تنها استثناي مطلق بود.

حالا که کاروان تیم ملی به تهران بازگشته، هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال باید در نشست اضطراری خود، این ابهام بزرگ را نیز مورد بررسی قرار دهد. اگر قرار بود اکرت فقط تماشاگر باشد، چرا فرصت حضور در جام جهانی از بازیکنانی که آمادگی و انگیزه بیشتری داشتند، سلب شد؟ فوتبال ایران دیگر تحمل سفرهای گران‌قیمتی را ندارد که حاصل آن فقط نشست روی نیمکت و تماشای حذف تیم ملی است.

استعفادر کره، حماسه‌سرایي در تهران

تفاوت از تهران تا سئول یک جهان است



سوژه

تیم ملی فوتبال ایران با کسب سه امتیاز ناپلوتنی از سه دیدار مرحله گروهی، از راه‌یابی به مرحله یک‌شانزدهم نهایی نخستین دوره ۴۸ تیمی جام جهانی ۲۰۲۶ بازماند؛ تورنمنتی فشرده که با افزایش تعداد سهمیه‌ها، فرشی قرمز و فرصتی طلایی برای صعود غول‌های آسیایی پهن کرده بود، اما برای ما به بن بست رسید.

شاگردان امیر قلعه‌نویی در گروه G با

تیم‌های بلژیک، مصر و نیوزیلند همگروه بودند و هر سه بازی خود را با طعم تساوی به پایان رساندند. هرچند یوزها در این کارزار شکستی را در مستطیل سبزه متحمل نشدند، اما حذف از دور گروهی با توجه به وعده‌های پرطمطراق پیش از مسابقات، طعمی تلخ برای فوتبال ایران به جا گذاشت. پیش از آغاز مسابقات، امیر قلعه‌نویی بارها از هدف‌گذاری تیم ملی برای صعود تاریخی سخن گفته و حتی وعده داده بود که در صورت تحقق این هدف، مردم ایران در خیابان‌ها جشن خواهند گرفت. با این حال، تیم ملی نتوانست انتظارات را برآورده

مسیر فرسایشی را ادامه داد. در شرایطی که تیم‌های حذف‌شده آسیایی از جام جهانی با زلزله استعفای سرمربی یا رئیس فدراسیون خود مواجه شده‌اند، فدراسیون فوتبال ایران روش معکوسی را در پیش گرفته است.

یاسر المسحل، رئیس فدراسیون فوتبال عربستان، روز دوشنبه با انتشار بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد حذف تیم ملی این کشور از مرحله گروهی با اهداف و استانداردهای فوتبال عربستان همخوانی نداشته و به همین دلیل، مسئولیت کامل این ناکامی را پذیرفته و شجاعانه از ریاست فدراسیون کناره‌گیری کرد؛ عربستان با کسب دو امتیاز در جایگاه آخر گروه H آرام گرفت. از سوی دیگر، هونگ میونگ‌بو، سرمربی تیم ملی کره جنوبی نیز ساعاتی پس از حذف تیمش در نشست خبری، در برابر پیشگاه مردم کشورش عذرخواهی کرد و با تعظیمی تاریخی، از سمت خود استعفا داد؛ کره‌ای‌ها در سه بازی خود دو شکست را تجربه کرده بودند.

اما در ایران، فدراسیون «خودستایی» از اسکواد مربیان و «تعمید بی‌مورد» از امیر قلعه‌نویی را در دستور کارش قرار داده؛ هر چند بپذیریم فدراسیون برای آماده‌سازی این تیم کم‌کاری نداشته و با توجه به شرایط کشور سنگ تمام گذاشت.

اگرچه چالش‌های تیم ملی برای حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ متفاوت با دوره‌های گذشته بود از جمله میزبانی آمریکا و کارشنکی آنها در مرز مرکزیک، اما از حیث برگزاری اردوهای داخلی و خارجی نه تنها تفاوت‌چندانی با دوره‌های گذشته نداشت، بلکه تعظیلی کامل لیگ برتر، فرصت طلایی بیست‌وچند روزه‌ای به کادر فنی داد تا ملی‌پوشان را در اختیار داشته باشد. البته برگزار نشدن دیدارهای تدارکاتی بزرگ، تنها تفاوت با دوره‌های گذشته بود؛ هر

چند در ادوار گذشته هم تیم ملی ایران بازی تدارکاتی با غول‌های جهان نداشته است و تیم‌های درجه سوم و چهارم انتخاب می‌شدند؛ شاید بخشی از توجیحات کادر فنی درست باشد، اما دلیل اصلی حذف ایران، تساوی خانمانسوز با نیوزیلند در اولین گام بود؛ مسابقه‌ای که همه از ماهه قبل پیروزی در آن را بلیت صعود می‌دانستند. حالا که کاروان تیم ملی خسته و بی‌رقم به تهران بازگشته، هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال باید هرچه سریع‌تر و بدون فوت وقت تشکیل جلسه دهد و عملکرد فنی را به طور کامل زیر ذره‌بین ببرد. زنگ خطر اصلی برای فوتبال ما به صدا درآمده و دیگر جایی برای مامشات، مصلحت‌اندیشی و خودفریبی وجود ندارد. اهالی فوتبال کمبودها و کارشنکی‌های غیر ورزشی میزبان در درک می‌کنند، اما هرگز نمی‌پذیرند که پس از گرفتن حد شادی صعود، فدراسیون فوتبال و رؤسای هیأت‌ها به خودستایی و تعجیدهای غیر واقعی بپردازند.

اگر می‌خواهیم تیم ملی ایران در جام ملت‌های آسیا که چند ماه دیگر در عربستان برگزار می‌شود به قله قهرمانی برسد، نباید چشم بر واقعیت‌ها بندیم و با تعریف و تمجید بی‌مورد سعی در «قهرمان‌سازی کاذب» داشته باشیم. با این «خودستایی‌ها» فقط خودمان را فریب می‌دهیم و به استعدادهای این مرز و بوم خیانت می‌کنیم.

در آستانه جام‌ملت‌ها باید دید آیا قلعه‌نویی، این تیم ملی مسن را تغییر نسل خواهد داد یا خیر.

در فوتبال حرفه‌ای، حتی گرفتن بازوبند کاپیتانی از ستاره‌ای چون سالم الدوساری (مرد سال آسیا) در تیم عربستان به راحتی رخ می‌دهد؛ حالا بسیاری در انتظار تکرار این شهامت و جراحی بزرگ در ایران توسط کادر فنی و مهدی تاج هستند.

زنگ خطر اصلی برای فوتبال ما به صدا درآمده و دیگر جایی برای مامشات، مصلحت‌اندیشی و خودفریبی وجود ندارد. اهالی فوتبال کمبودها و کارشنکی‌های غیر ورزشی میزبان را درک می‌کنند، اما هرگز نمی‌پذیرند که پس از گرفتن حد شادی صعود، فدراسیون فوتبال و رؤسای هیأت‌ها به خودستایی و تعجیدهای غیر واقعی بپردازند.

کند و پرورده‌اش بسته شد. این، سومین ناکامی بزرگ قلعه‌نویی در رقابت‌های کلان با تیم ملی به شمار می‌رود؛ او نخستین بار در جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۷ با شکست برابر کره جنوبی در مرحله حذفی از دور مسابقات کنار رفت، در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ نیز در گام آخر کم آورد و اکنون حذف از جام جهانی ۲۰۲۶، سومین ناکامی استراتژیک او روی نیمکت تیم ملی محسوب می‌شود. پس از پایان جام‌ملت‌های آسیا، بسیاری از کارشناسان خواستار جراحی در کادر فنی بودند، اما فدراسیون با حمایت تمام‌قد از ادامه همکاری با قلعه‌نویی، این